

معرفی نویسنده

دکتر جیمز ملوین نلسون^۱ روان‌شناس بالینی و استادیار دانشکده روان‌شناسی دانشگاه والپرایسو^۲ از سال ۱۹۸۷م، عضو هیئت علمی دانشکده مطالعات چینی-ژاپنی این دانشگاه است. او در این مدت به عنوان مدیر برنامه‌های مشاوره فارغ‌التحصیلان و مدیر گروه روان‌شناسی مشغول به کار بوده است. دکتر جیمز نلسون به عنوان روان‌شناس بالینی، مطالعات خود را به سمت روان‌شناسی عصبی و روان‌شناسی میان‌فرهنگی سوق داد. نلسون همراه با برخی همکاران خود، در سال ۱۹۹۰م، برنامه تحقیقاتی مهمی را در چین شروع کرد؛ هدف عمده این پژوهش، تمرکز بر مطالعه تفاوت‌های فرهنگی در افسردگی و شخصیت بود. افزون بر این تحقیق، پیش‌زمینه اطلاعاتی دکتر نلسون شامل حضور یک‌ساله او به عنوان استاد میهمان در مرکز ملی تحقیقات آسیایی-آمریکایی سلامت روان در دانشگاه‌های کالیفرنیا^۳ و لس‌آنجلس^۴ و دو دوره به عنوان مدیر برنامه Hangzouh در دانشگاه والپرایسو (تمرکز بر مطالعه فرهنگ و آداب و رسوم چینی) است. او در حوزه‌های روان‌شناسی میان‌فرهنگی و روان‌شناسی تطبیقی مسیحیت و آیین بودا و روان‌شناسی نابهار در سطوح کارشناسی و کارشناسی ارشد تدریس می‌کند. در حال حاضر او تنها روان‌شناس بالینی دارای مجوز در ایالت ایندیانا است.^۵ پژوهش حاضر نیز با نام روان‌شناسی، دین و معنویت^۶ متمرکز بر مسائل تئوریک در روان‌شناسی و ارتباط آن با دین و معنویت است.

1. Nelson, J. M.

2. Valparaiso university

3. California

4. Los Angeles

5. Indiana

6. *Psychology, Religion & Spirituality*

مقدمه

دین، آبشخور نیاز معنوی است و معنویت نیز از فرآورده‌های ادیان الهی است. روان‌شناسی دانشی تجربی است که به مطالعه رفتارها و فرایندهای ذهنی انسان می‌پردازد و روان‌شناسی دین، شاخه‌ای از روان‌شناسی است که تنها بر مطالعه علمی رفتارها، باورها و تجربه‌های دینی و معنوی را با رویکرد روان‌شناختی توجه دارد.

روان‌شناسی دین شاخه‌سی و ششم انجمن روان‌شناسی آمریکا (APA) است و امروزه جایگاه علمی بالایی در سطح جهان دارد؛ کتاب، منابع، پژوهش‌ها و مجلات علمی روزافزون شاهی بر این مدعا هستند. روان‌شناسی دین تقریباً در کنار روان‌شناسی، در حدود ۱۲۰ سال قبل متولد شد و در قالب مکاتب آمریکایی - انگلیسی، آلمانی و فرانسوی رشد و گسترش یافت. امروزه با توجه به رشد فزاینده معنویت و معنویت‌پژوهی، روان‌شناسی دین نیز در چند دهه اخیر با اقبال بیشتری مواجه شد و پژوهش‌های جدی، حتی در منطقه آسیا به‌ویژه در کشورهای ژاپن، هندوستان و ایران نیز دنبال شدند و ادیان شرقی بودایی و هندویی و نیز دین اسلام موضوع مطالعه قرار گرفته‌اند. افزون بر رویکردهای تجربی و کمی، پژوهش‌های کیفی و روی‌آوردهای تفسیری نیز در روان‌شناسی دین نمود یافته‌اند.

کتاب حاضر با نام روان‌شناسی، دین و معنویت، اثر جیمز نلسون، یکی از آثار مهم در این عرصه است. این اثر با توجه به ویژگی‌های ذیل از میان منابع مشابه برای ترجمه انتخاب شده است:

۱. جامعیت نسبی آن از جهت بررسی مبانی دین‌شناسی، مبانی فلسفی و مباحث روان‌شناختی؛

به‌ویژه موضوعات مختلف روان‌شناسی دین؛

۲. معرفی اجمالی ادیان مهم مورد بحث، از جمله: مسیحیت، بودا و هندو؛

۳. رویکرد علمی و منصفانه به مباحث و نظریه‌های مختلف؛

۴. بررسی انتقادی و ارزیابی بی‌طرفانه دیدگاه‌های گوناگون، به‌ویژه پوزیتیویسم؛
 ۵. نگاه واقع‌نگرانه و ارج‌گذارانه به نقش، جایگاه و کارکردهای دین؛
 ۶. اشاره به اسلام و برخی پژوهش‌های مربوط که در نوع منابع روان‌شناسی دین به چشم نمی‌خورد و حتی تحلیل علمی منصفانه برخی حرکت‌های افراطی در کشورهای اسلامی؛
 ۷. تحلیل‌های لغت‌شناسی و معناشناسی در چیستی دین و معنویت؛
 ۸. نگاه به رویکردهای مختلف در روان‌شناسی از قبیل روان‌پویشی، انسان‌گرایی، زیستی‌عصبی و روان‌شناسی تکاملی و نیز رویکردهای گوناگون در الهیات، مانند پدیدارشناسی، تفسیری و...؛
 ۹. کوشش جدی در برقراری گفتگوی دوسویه میان دین و روان‌شناسی؛
 ۱۰. تازگی و جدید بودن اصل کتاب، به‌ویژه نگاه راهبردی و مطرح کردن چشم‌انداز برای آینده.
- البته برخی کاستی‌ها نیز در این کتاب به چشم می‌خورد از جمله: توجه کافی نکردن به ادیانی، چون اسلام و یهود، ضعف‌هایی در برخی مباحث مربوط به اسلام و ابهام در برخی موضوعات؛ که در این قسمت‌ها تا حد امکان، تعلیقه‌هایی به کتاب اضافه شده‌اند.
- فرایند ترجمه این کتاب مراحل چندی پشت سر گذاشت: در ابتدا متن کتاب در دو دوره از کلاس‌های دکتری دین‌شناسی در دانشگاه ادیان و مذاهب قم تدریس شد و بخش‌هایی از آن نیز به عنوان تکلیف کلاسی از سوی دانشجویان ترجمه شدند. در حین تدریس و ترجمه نخستین با ویژگی‌های بارز کتاب مواجه شدم و ترجمه کتاب با اضافات و تعلیقه، به عنوان یک پروژه در شورای علمی گروه روان‌شناسی پژوهشگاه پذیرفته شد. بار دیگر همه کتاب با دقت‌های لازم و با استفاده اجمالی از ترجمه‌های آغازین از سوی همکارم آقای قربانی ترجمه و تکمیل شد. در مرحله بعد بار دیگر همه فصل‌ها با متن اصلی مقابله و اصلاحات لازم و دقت‌های بیشتر اعمال شدند. در مرحله نهایی، این اثر را استادان ناظر، آقایان: دکتر مسعود جان‌بزرگی و دکتر محمد خدایاری‌فرد آن را ارزیابی کرده و نکاتی را متذکر شدند که در حد امکان اعمال شد.
- مواردی که به صورت تعلیقه در پایان هر فصل اضافه شده‌اند، بیشتر ناظر به توضیحات افزون‌تر مطالب متن، تبیین کامل‌تر و جزئی‌تر از برخی نکات مبهم و نیز نقدهایی نسبت به مباحث کتاب است که با فرهنگ اسلامی و مبانی فلسفی ما هماهنگی ندارد. زیرنویس‌ها و عبارات داخل پرانتز از نویسنده کتاب و موارد پی‌نوشت و داخل قلاب [] از مترجمان است. واژگان یا عبارت‌های داخل متن که پررنگ شده، در اصطلاح‌نامه آخر کتاب تعریف شده و یا توضیحی برای آن آمده که براساس متن اصلی کتاب است.

این کتاب به عنوان منبع درسی برای رشته‌های دین‌شناسی و روان‌شناسی و نیز به عنوان متن درسی یا کمک‌درسی برای درس روان‌شناسی دین قابل استفاده است. این منبع می‌تواند الهام‌بخش پژوهش‌های بسیار در حوزه روان‌شناسی دین و معنویت به صورت مقایسه‌ای و تطبیقی، یا مستقل و موضوعی باشد. حُسن ختام این مقال، حمد و سپاس به درگاه ایزدی برای این توفیق علمی و تقدیر و تشکر از همه عزیزانی است که در این اثر علمی سهمی داشته‌اند: مسئولان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مدیر محترم گروه روان‌شناسی آیت‌الله سیدمحمد غروی، ناظران علمی آقایان دکتر مسعود جان‌بزرگی و دکتر محمد خدایاری فرد و نیز دکتر رامین آموخته، برای راهنمایی‌های بی‌دریغ در ترجمه؛ و بالأخره پوزش‌خواهی از آستان ارباب معرفت از خطاهای احتمالی اجتناب‌ناپذیر و نیز التماس و استدعا از همهٔ استادان، دانشجویان و خوانندگان فرهیخته برای اهدای نقدها و پیشنهادهای علمی.

مترجمان: مسعود آذربایجانی و امیر قربانی

پیشگفتار

طی قرن گذشته، روان‌شناسانی که مجذوب دین شده بودند، دست به کار مطالعه و نگارش درباره آن شدند. الهی‌دانان و محققان دینی به این ادبیات و آثار واکنش نشان داده و گفتگویی جذاب را شکل داده‌اند که به برداشت‌های بنیادین ما از انسان و جایگاه او در جهان هستی مربوط می‌شود. کتاب حاضر درآمدی بر گفتگوهای مهمی است که از این تبادل نظرها شکل گرفته است.

بررسی گفتگو میان روان‌شناسی و دین به چند دلیل دشوار است: نخست، این مطالعه مستلزم شناخت هر دو حوزه روان‌شناسی و دین است. افرادی که زمینه روان‌شناسی دارند، اغلب فاقد فهمی استوار از سنت‌هایی دینی هستند که قصد مطالعه آنها را دارند و به احتمال، الهی‌دانان نیز از روند تازه‌ترین پیشرفت‌ها در روان‌شناسی مطلع نیستند. دوم، مطالعه یادشده نیازمند ابزار مفهومی برای سامان‌دهی مطالب و فهم مسائلی اصلی است که در هر اقدامی برای پیوند علم روان‌شناسی با دین دخیل هستند. این مفاهیم را در بسیاری از جاها، برای مثال، در آثار فیلسوفان علم می‌توان یافت، اما آنها پیچیده‌اند و اغلب فهمشان برای کسانی که زمینه فلسفی و الهیاتی کاملی ندارند، دشوار است؛ سوم، نویسندگانی که در این زمینه دست به قلم هستند، با زمینه‌های شخصی و آکادمیک مختلفی به مطالعه روان‌شناسی و دین روی آورده‌اند. این امر گرچه موجب تنوعی فوق‌العاده در گفتگو می‌شود، فهم و تسلط بر مطالب را کاملاً دشوار می‌سازد.

با توجه به این دلایل، چرا باید برای فهم این گفتگو تلاش کنیم؟ من همراه با بسیاری از اندیشمندان، معتقدم روان‌شناسی و دین چیزهای سودمندی برای گفتن به یکدیگر دارند. روان‌شناسی منابعی از علم را در اختیار دین قرار می‌دهد، تا از یک‌سو، دقت خودآگاهی آن و از سوی دیگر، روش‌های مورد استفاده برای تعقیب اهدافش را ارتقا بخشد؛ دین نیز ذخایری عظیم

از حکمت انباشته را درباره سرشت آدمی و نحوه رسیدن به زندگی شایسته را در اختیار روان‌شناسی قرار می‌دهد. همزمان با اینکه هر کدام از دو حوزه اظهارات طرف دیگر را می‌شنود، انتظار پاسخ یا نقد نیز وجود دارد و البته اینها اهمیت حیاتی نیز دارند. برای نمونه، واکنش الهیاتی به نظریه و پژوهش روان‌شناختی، زمینه اصلاحات ارزشمندی را فراهم می‌کند که به آن حوزه جهت اجتناب از خطا و بدفهمی کمک می‌کند. بنابراین، کتاب حاضر از **منظر گفتگویی** نگاشته می‌شود و به بررسی برخی گفتگوها و نقدهای مهم می‌پردازد که میان روان‌شناسان، الهی‌دانان و محققان دینی مبادله می‌شود. واژه «و» در عنوان این کتاب بیانگر هدف معطوف به گفتگوی آن است.

رویکرد گفتگویی به روان‌شناسی و دین حامل برخی مفروضات است. نخست، روان‌شناسی و دین به مثابه دو طرف برابر گفتگو تلقی می‌شوند که هر دو قابل احترام‌اند. بنابراین، باید در این پژوهش تلاش کنیم تا از ترجیح یکی از طرفین بر دیگری بپرهیزیم. دوم، گرچه گفتگو موجب روابطی جذاب می‌شود، ولی ساختاری را برای جای دادن هر دو قلمرو در یک نظام بی‌عیب و نقص ایجاد نمی‌کند؛ هرچند روان‌شناسی و دین حرف‌های بسیاری برای بازگو کردن برای یکدیگر دارند، اهداف و روش‌های آنها متفاوت است، به گونه‌ای که همواره فاصله‌ای میان دو حوزه وجود دارد.

گرچه تمرکز کتاب حاضر بر مسیحیت است — و من از این منظر دست به قلم می‌برم —، ولی آیین هندو، به‌ویژه آیین بودا نیز به گونه‌ای چشمگیر در گفتگو میان روان‌شناسی و دین سهیم بوده‌اند. از این رو، بخش‌های اصلی کتاب نیز به بحث از اطلاعات مرتبط با این دو سنت خواهد پرداخت. متأسفانه، روان‌شناسان، برخی ادیان بزرگ دیگر را چندان مورد مطالعه قرار نداده‌اند و بنابراین، میزان یکدستی از گفتگو برای بحث و تبادل نظر در دسترس نداریم. بدین ترتیب، حجم بسیار اندکی از مباحث این کتاب به آیین یهود اختصاص دارد و تنها مواجهه مختصری با اسلام خواهیم داشت. امیدوارم که نظریه و پژوهش‌های آینده به چنان پیشرفت‌هایی نائل شوند که این سنت‌های مهم دینی نیز جایگاه محوری‌تری در گفتگو با روان‌شناسی داشته باشند.

نقشه کتاب حاضر

حوزه‌های روان‌شناسی، دین و معنویت، میراث غنی و گسترده‌ای هستند که در قالب یک جلد یا مجموعه‌ای از مجلدات نمی‌گنجند. حتی آثار و ادبیات در زمینه نقاط تلاقی و اشتراک روان‌شناسی و دین نیز فراوان هستند. بنابراین، در یک اثر علمی، مانند این کتاب، گزینش

دشواری برای گستره مطالب و نحوه بحث از آنها خواهیم داشت. در مجموع، تلاش کرده‌ام تا زمینه نگاهی کلی به این حوزه را فراهم آورده و به حوزه‌ها و مسائل اصلی مهم که گفتگو در آنها روی می‌دهد، اشاره کنم. اما این اثر، یک کتاب درسی است، نه دائرةالمعارف، بنابراین، همه نویسندگان و پژوهش‌های اصلی مرتبط با حوزه روان‌شناسی، دین و معنویت را به‌طور کامل در آن نخواهید یافت. البته انجام دادن چنین کاری در محدوده یک مجلد ممکن یا مطلوب نیست. در عوض، مهم این است که گزیده عمل کنیم و بر شخصیت‌ها یا آرای مهم آنها به مثابه معرف مسائل مورد علاقه و دیدگاه‌های مختلف تمرکز داشته باشیم. برای فهم وضعیت موجود این گفتگو، باید بیشتر بر یافته‌ها و برداشت‌های پژوهش‌های جدید از مسائل گوناگون متمرکز باشیم؛ هرچند باید آثار قدیمی‌تر را نیز هنگام ارتباط با مباحث جاری در نظر داشت. این گفتگو شامل بحث از تحقیق در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دین می‌شود که برای روان‌شناسی دارای اهمیت است. هر فصل را با بحث از موضوع یا مضمونی اصلی به پایان می‌رسانیم که از گفتگوی روان‌شناسی و دین در این زمینه پدید آمده است.

مطالب این کتاب را در چند بخش تقسیم کرده‌ایم:

بخش یکم، به اصول پایه گفتگوی روان‌شناسی و دین می‌پردازد. توجه به این موضوع در چارچوبی از گفتگوی گسترده‌تر میان علم و دین بسیار مفید خواهد بود. بنابراین، فصلی را به معرفی مفاهیم فلسفی (برای مثال، طبیعت‌گرایی، ماده‌گرایی) و اطلاعات تاریخی (مانند، جنبش‌های پوزیتیویستی) اختصاص داده‌ایم که برای فهم رابطه علم و دین لازم است؛ چنان که این کار در خصوص خود روان‌شناسی نیز صورت گرفته است. برای کسانی که با سنت‌های بزرگ دینی مطرح در گفتگوی روان‌شناسی و دین آشنا نیستند، فصلی با مرور اجمالی بر آیین هندو، آیین بودا و مسیحیت نیز اختصاص یافته است.

بخش‌های دوم و سوم، شامل حوزه‌های اصلی گفتگوی روان‌شناسی و دین هستند که در طول قرن گذشته شکل گرفته‌اند. بخش دوم، به شرح مختصری از رویکردهایی به این موضوع می‌پردازد که به احتمال، در آینده محوریت خواهند داشت، مانند چشم‌اندازهای مطرح‌شده از سوی علوم اعصاب و پست‌مدرنیسم.

بخش سوم، به جمع‌بندی مطالب مرتبط با حوزه‌های مهم تحول انسان پرداخته و بیانگر این است که پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی روایتی می‌تواند ما را در فهم فرایند تحول معنوی کمک رسانند.

در بخش چهارم، کاربردهای عملی گفتگوی روان‌شناسی و دین بحث می‌شود. دین و روان‌شناسی در پرداختن به ویژگی‌های وجود انسان شریک هستند. آنها امیدوار هستند افرادی را که در پی یافتن زندگی شاد، پرثمر و معنادار هستند، راهنمایی کنند. بنابراین، هدف نهایی این کتاب کنترل نظریه و پژوهش تجربی در خدمات کاربردهای عملی است. چگونه می‌توان در قرن بیست و یکم جوامعی سودمند بنا نهاد؟ از چه راه‌هایی می‌توانیم به افراد در حل و فصل چالش‌ها و فراهم کردن زندگی کاملاً رضایت‌بخش کمک کنیم؟ بخش‌های پایانی کتاب تلاش می‌کند تا خلاصه‌ای از پاسخ به این پرسش‌ها را مطرح سازد.

مسئله دشوار دیگر، نحوه کاربرد اصطلاحات و منابعی هستند که باید از حوزه‌های متعدد برای این موضوع برگرفته شوند. این منابع، تا حدی بسیار، از منظومه مطرح‌شده انجمن روان‌شناسی آمریکا^۱ استفاده می‌کنند؛ هرچند هنگامی که سخن از آثار الهیاتی یا فلسفی به میان می‌آید، این همواره مطلوب نیست. ذکر نویسندگان متعدد تا حدی در متن کتاب خلاصه شده، گرچه ذکر کامل آن در فهرست منابع موجود است. اصطلاح‌نامه‌های پایان کتاب تعریف‌هایی مختصر از اصطلاحات به دست می‌دهند، آن‌گونه که معمولاً نویسندگان حوزه مطالعات دینی، الهی‌دانان و روان‌شناسان به آن را کار می‌برند.

وظیفه اصلی آثاری همچون کتاب حاضر مطرح ساختن ایده‌هایی تأثیرگذار بر گفتگوی روان‌شناسی و دین است. با پیش رو داشتن این ایده‌ها، وظیفه حساس بعدی، ارزیابی اعتبار آنها و شواهد مؤیدشان است. انجام این کار بسیار مهم است، زیرا آرای شخصیت‌های بسیار اثرگذار در این گفتگو (همچون فروید) مؤیدهای اندکی دارند یا اساساً شهادی به نفع آنها وجود ندارد، حال آنکه آرای نه‌چندان مشهور، هنگام بررسی بسیار جذاب می‌نمایند. اما انجام ارزیابی کار ساده‌ای نیست. نقادی نظام‌مند این نظریات مستلزم توافق بر نحوه ارزیابی آنها و میزان مباحث نظری یا شواهد مرتبط با این کار است. متأسفانه، یکی از این دو امر یا هر دو آنها به‌طور معمول در گفتگوی دین و علم نادیده گرفته می‌شوند. اندیشمندان حوزه‌های مختلف، همچون روان‌شناسی اجتماعی و دین‌پژوهی، اغلب درباره مؤلفه‌هایی که شواهد مؤید یک دیدگاه را تشکیل می‌دهند، اختلاف نظر دارند. برای نمونه، دانشمندان غالباً بر وجود داده‌های تجربی برای پشتیبانی از یک نظریه تأکید می‌کنند، حال آنکه الهی‌دانان ممکن است انواع دیگری از شواهد را متقاعدکننده‌تر و مناسب‌تر بدانند. همچنین، در خصوص کم و کیف نقدهایی که متوجه

1. American Psychological Association

دیدگاه‌های مختلف می‌شوند، تنوع بسیاری وجود دارد. برخی نظریات — حتی از نوع معتبر آن — آماج نقدهای همه‌جانبه‌ای قرار گرفته‌اند، حال آنکه بعضی از آنها حتی آنگاه که داده‌های اندکی به سودشان وجود دارد، کمتر مورد نقادی واقع شده‌اند. بنابراین؛ هرچند قسمت‌های ارزیابانه در نقاطی گنجانده شده‌اند که مباحث علمی بسیاری حول اعتبار نظریه یا دیدگاهی خاص وجود دارند، همواره مجال نقدهایی گسترده درباره هر نظریه وجود ندارد. فقدان نقد، به معنای «اثبات» یک دیدگاه و وجود انتقاد، بیانگر بی‌ارزشی آن نیست. ارزیابی اعتبار لایه‌ها و خطوط متعدد در گفتگوی روان‌شناسی و دین، کار دیگری است که باید انجام شود.

معرفی همکاران علمی و ابراز قدردانی

هر نویسنده‌ای وامدار بسیاری از افراد در گذشته و حال است. یکی از دشوارترین بخش‌های نگارش این کتاب لزوم دربر گرفتن منظومه‌ای غنی از اندیشه‌ها و یک عمر مطالعه افراد متعدد دقیق، در چند عبارت است. بنابراین، از همه همکاران قدردانی می‌کنم و پوزش می‌طلبم. امیدوارم کتاب حاضر خواننده را به برداشتن و مطالعه منابع اصلی و نویسندگان دخیل در گفتگوی روان‌شناسی و دین وادارد.

بسیاری از دانشجویان من به گونه‌هایی قابل توجه در نگارش این کتاب سهیم بوده‌اند. جان آنراث^۱ پژوهشی پیشینه‌ای برای فصل ۱۲ انجام داده و مارک برک^۲ پیشنهادهایی را درباره فصل ۱۳ مطرح کرده است. کترین آلفری^۳، لیزا دائوبی^۴، کیت پاتریک^۵، مارلا تایبرت^۶ و کتی برگ^۷ بخش اعظمی از تایپ، اصلاح و بازبینی فهرست منابع را بر عهده داشته‌اند؛ این‌گونه کارها در آثاری از این دست کاری قابل توجه به شمار می‌روند. جولی هاماید^۸، ارین وسترمین^۹ و جنیفر زیمر^{۱۰} بخش‌های عمده‌ای از متن را خوانده‌اند و از منظر یک دانشجو درباره آنها اظهار نظر کرده و اصلاحاتی را برای مورد پسند واقع شدن کتاب برای خواننده پیشنهاد داده‌اند. آنها همچنین در کمک به جمع‌آوری اصطلاح‌نامه با کریستال فری^{۱۱} و آنتونی نلسون^{۱۲} همکاری کرده‌اند. کترین

1. Unrath, J.

3. Alfrey, K.

5. Patrick, K.

7. Berg, K.

9. Westerman, E.

11. Frey, C.

2. Burek, M.

4. Daube, L.

6. Tiebert, M.

8. Hamaide, J.

10. Zimmer, J.

12. Nelson, A.

رینکن^۱ و مگان برنینگ^۲ در استخراج فهرست کمک کرده‌اند. شماری از کلاس‌های روان‌شناسی و دین من، در دانشگاه والپاراسیو و چین^۳ گزارش آغازین این بخش‌ها را در کتاب حاضر پذیرفتند و پیشنهادهای مفیدی مطرح ساختند.

برخی همکاران فوق‌العاده من بخش‌هایی از کتاب را خوانده و نقد کردند. آل دوئک^۴، تد لودویگ^۵، نانسی مورفی^۶ و برنت اسلایف^۷ بخش‌های برگزیده را مطالعه کردند، کوین موونی^۸ و جین براون^۹ نیز پیش‌نویس‌های آغازین کل نسخه دست‌نوشته را خواندند. ریچارد گورساج^{۱۰}، فرانک ریچاردسون^{۱۱} و فراسر واتر^{۱۲} در خواندن نسخه نهایی کتاب و اظهار نظرهایشان بسیار مهربانانه عمل کردند. در سراسر این فرایند، ویراستاران انتشارات اسپرینگر^{۱۳} به‌ویژه جنیفر هادلی^{۱۴} و شارون پانولا^{۱۵} فوق‌العاده حامی و کمک‌کار بوده‌اند. همگی ایشان پیشنهادهای مفید و متعددی را مطرح ساخته‌اند که محصول نهایی را غنی کرده‌اند. مسلم است نقص‌های این اثر همگی متوجه من است.

سرانجام اینکه، باید از جامعه دینی و خانواده خودم، به‌ویژه همسر جین و فرزندانم آنتونی و ترزا، قدردانی کنم که مرا صمیمانه در طی مطالعه همواره و نگارش متناوب این کتاب پشتیبانی کردند.

ایندیانا، ایالات متحده آمریکا

جیمز ام. نلسون

1. Renken, C.

3. China

5. Ludwig, T.

7. Slife, B.

9. Brown, J.

11. Richardson, F.

13. Springer

15. Panulla, S.

2. Berning, M.

4. Dueck, A.

6. Murphy, N.

8. Mooney, K.

10. Gorsuch, R.

12. Watts, F.

14. Hadley, J.